گفت‌وگوی اختصاصی کیهان با دکتر «موسی حقانی» رئیس موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (بخش پایانی)

سرنخ بزرگ چهره منفور پهلوی به تاریخ‌نگاران انگلیسی می‌رسد

■ مسعود اکبری

اشـــاره: هفته گذشـــته، گفت‌وگویی با دکتر «موسی حقانی» محقق و پژوهشگر و رئیس موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران با موضوع نقش انگلیس در روی کار آمدن رضاخان منتشر شد؛ آنچه از نظر می‌گذرانید بخش پایانی این گفت‌وگو است.

***

*** با توجه به تمام واقعیت‌هایی که وجود دارد، گروهی که رهبر معظم انقلاب در یکی از فرمایشاتشان از آنها به عنوان بزرگ‌کنندگان چهره خاندان خبیث و منحوس پهلوی نام بردند، اقداماتی چون تاسیس راه‌آهن سراسری، تاسیس دانشگاه تهران و راه‌اندازی صنایع را نمونه‌ای از خدمات رضاخان به مردم ایران معرفی می‌کنند. جالب اینجاست که سرنخ این بزرگ به برخی تاریخ‌نگاران انگلیسی همچون «استفانی کرونین» می‌رســـد. اقدامات فوق چه منفعتی برای انگلیس داشت؟ سهم مردم ایران چه بود؟**

بحث خدمات «رضاخان» اساسا یک بحث انحرافی است. وقتی ما درباره مشروعیت یک رژیم صحبت می‌کنیم، اصلا نمی‌توانیم وارد این مقولات شویم. احتمال دارد که یک رژیمی، رژیم مقبول و مشـــروعی باشـــد و خیلی هم نتواند خدماتی انجام دهد. مثلا شما نگاه کنید «گاندی» در هندوســـتان چه کرد. چرا این قدر «گاندی» محبوب است؟ چرا این قدر «رضاخان» منفور است؟ یا چرا «صدام» این قدر منفور است؟ «رضاخان» هم یکسری اقدامات در ایـــران انجام داد که البته باید روی اقداماتش بحث کنیم. خدمتی که «گاندی» به کشـــورش کرد بدون اینکه یک وجب جاده بکشـــد، او را ماندگار کرد و این برمی‌گردد به استقلال هندوستان. خیانتی که «رضاخان» به ایران کرد، یعنی نابودی استقلال ایران به هیچ وجه با هیچ اقدامی از سوی وی قابل مقایسه نیست و همان طور که اشاره شد، این موضوع اساسا بحثی انحرافی است برای فراهم کردن زمینه بزک کردن و تطهیر جنایات رژیم پهلوی.

این آســـان‌ترین راه برای بزک کردن پهلوی است. از طریق بررســـی اقدامات سیاسی و فرهنگی نمی‌توانند به چنین هدفی دســـت پیدا کنند. مگر می‌توانند مفقودالاثر شـــدن ۲۴ هزار نفر را در ایـــران توجیه کنند؟ می‌توانند کشتار گوهرشاد را توجیه کنند؟ می‌توانند لطماتی که به خانواده‌های ایرانی بر اثر تصویب کشف حجاب وارد کردند را، توجیه کنند؟ می‌توانند زمین‌خواری «رضاخان» را توجیه کنند؟ می‌توانند کشتار عشایر را توجیه کنند؟ می‌توانند بمباران ده‌ساله ایلات و عشایر را در ایران توجیه کنند؟

اما بیاییم ســـراغ خود بحث خدمات. اقداماتی که در دوره «رضاخان» صورت گرفت، برخی اساسا بد بود و نباید انجام می‌گرفت. مثلا کشیدن راه‌آهن از شمال به جنوب، یا از جنوب به شمال. ما راه‌آهن می‌خواستیم، آرزوی ملت ایران هم بود، ولی همیشـــه دعوا بر ســـر این بود که باید راه‌آهن شرقی غربی داشته باشیم نه شمالی جنوبی. تازه شمالی جنوبی هم می‌توانست طور دیگری طراحی شود که به نفع مردم تمام شـــود. وقتی این خط را کشیدند با افتخار گفتند راه‌آهنی که ما کشـــیدیم از کنار هیچ کدام از شـــهرهای بزرگ ایران عبور نمی‌کنـــد. یعنی این یک راه‌آهن اســـتراتژیک است. راه‌آهن استراتژیک به درد چه کسی می‌خورد؟ به درد انگلیسی‌ها می‌خورد که به روسیه حمله کنند یا در شرایط دیگر به شوروی در مقابل حمله هیتلر امدادرسانی کنند و در واقع این راه‌آهن در راستای منافع ایران نبود که اگر این طور بود می‌توانست نمونه‌ای از خدمت به مردم ایران باشد.

*** مگر می‌توانند مفقودالاثرشدن ۲۴ هزار ایرانی، کشتار گوهرشاد، لطمات کشف حجاب به خانواده‌های ایرانی، زمین‌خواری رضاخان و کشتار عشایر را توجیه کنند؟**

حال شـــما بیایید یک جاده‌ای را تعریض کنید. این اقدام از سوی هر حکومتی- چه مشروعیت داشته باشد و چه نداشته باشد- اقدام قابل توجهی است. اما در این مورد هم درباره «رضاخان» بزرگنمایی شد. مثلا تعریض خیلی از راه‌ها را تاسیس آن راه قلمداد کردند. از سوی دیگر برخی از طرح‌ها هم با هدف استفاده اختصاصی شاه پیاده‌سازی می‌شده است؛ مثلا جاده مخصوص. این جاده کشیده شد تا «رضاشاه» بتواند به چالوس و از آنجا به مازندران سفر کند.

این در حالی اســـت که با درآمدهـــای دوره پهلوی اول و دوم، مخصوصا دوره پهلوی اول، می‌بایســـت تمامی زیرســـاخت‌های کشور تکمیل شـــود. ولی شما در آستانه انقلاب نگاه کنید؛ کدام زیرســـاخت در ایران تکمیل شده است؟! شبکه راه آهن که ناقص بود. شبکه آب آشامیدنی کشور- به نقل از «اسدالله علم»- در شرایط بسیار نامناسبی قـــرار داشـــت. از ۲۴ میلیون ایرانی- به نقل از «اســـدالله علـــم»- ۱۴ میلیون بی‌ســـواد بودند و مردم با مشـــکل قطعی برق، تورم، بیکاری و... دست به گریبان بودند و در مجموع اقدام شایسته‌ای صورت نگرفت. البته برخی کارها هم می‌توانست اگر بر طبق اصول باشد، به نفع مردم تمام شود. مثلا تاسیس ارتش و قشون. به شرطی که یک ارتش ملی باشـــد، می‌توانست به نفع مردم تمام شود. یک‌بار کار ارتش ایران به کارزار بین‌المللی کشـــیده شد، آن هم همه فرار کردند. «رضاخان» به یکی از سرلشگرهایش که علت فرار را حفظ جان نیروهایش عنوان کرد گفت: «تو همیشه دو هـــزار کیلومتر از خط مقـــدم عقب‌تری!». و این ارتش در جدی‌تریـــن عرصه‌ای که باید از خودش ظهور و بروزی نشان دهد، متلاشی می‌شود و فرار می‌کند و نقل است که فرماندهان زودتر از همه فرار کردند.

نمونه دیگر تاســـیس دانشـــگاه تهران بود. البته ما آموزش عالی داشتیم. بعضی‌ها این گونه گمان می‌کنند که آمـــوزش عالی هم با رضاخان راه افتاد، ولی این طور نبود؛ آمـــوزش عالی از دوره قاجاریه راه افتاده بود. «دارالفنون» نمونه‌ای از آن است. رضاخان مراکز آموزش عالی را متمرکز کرد و دانشـــگاه تهران را تاسیس کرد که اقدام خوبی بود ولیکن در رشته‌های علوم انسانی سلطه علوم انسانی غربی تحقـــق پیداکرد. در واقع هدف این بود که جریان نخبه (و علی‌الخصوص جریان غربگرا) بتواند موقعیت پیدا کند و این موقعیت تداوم پیدا کند و نگاه به غرب و تمنای پیشرفت از غرب در جامعه اســـتقرار پیدا کند. اما در مورد ســـرنخ بزک که به تاریخ‌نگاران انگلیسی برمی‌گردد، باید گفت که انگلیسی‌ها از دوره قاجار تحریف تاریخ ایران را آغاز کردند و خیـــلی از وقایع را وارونه روایت کردند. علت این بود که رژیمی که از سوی انگلیس بر سر کار آمد و سرکوب کرد باید بزک می‌شد. البته نگاه آنها به شرق همیشه نگاه از بالا به پایین بود و آنها با معیارهای خودشان جوامع دیگر را بررسی می‌کردند. لذا به طور طبیعی جریانات غربگرا از سوی آنها مورد تقدیر قرار گرفته و نقاط ضعف آنها پوشیده می‌شود.

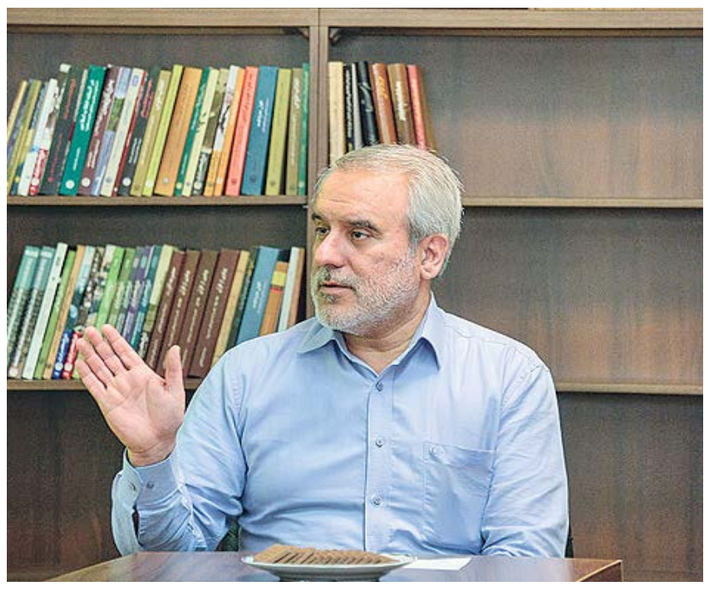

عکس: حسین مرصادی

*** چند سالی اســـت که بزک‌کنندگان چهره خانـــدان منحوس پهلوی به مستندســـازی ورود کرده‌اند. «از تهـــران تا قاهـــره» و «انقلاب ۵۷» نمونه‌هایی از تولیدات این جریان است. اهداف اصلی این گونه اقدامات چیست؟**

این تحرکات عامه مردم ایران را هدف قرار داده است. غربی‌ها و عوامل ساخت این مستندها می‌دانند که پهلوی و بازگشت پهلوی منتفی است. مردم ایران به معنای واقعی کلمـــه، پهلوی‌ها را به زباله‌دان تاریخ انداختند. ســـمت و سوی این مستندات این است که به دروغ و با بزرگنمایی درخصوص خدمات رژیـــم پهلوی، بیهوده بودن انقلاب را تلقین کنند. برای نمونه مستند «انقلاب ۵۷» حاوی بیش از صد نمونه تحریف و جعل تاریخی است و سوء استفاده و رندی در آن دیده می‌شـــود. این‌ها مخاطبانی را هدف قرار داده‌اند که یا آن دوران را ندیده‌اند یا ذهنیت تاریخی قوی ندارند و هدف تلقین این دروغ است که وضع در ایران خیلی خوب بوده است و مردم ایران در مقطعی دچار گنگی شده و خودشـــان هم متوجه نشدند که چه کاری انجام دادند و باید به خودشان بیایند و ببینند که چه گوهری! را از دست داده‌اند. شـــما اگر در مستند «انقلاب ۵۷» دقت کنید، آن چیزی که ترویج می‌شود سبک زندگی غربی است.

*** تعریض خیلی از راه‌ها را تأسیس آن‌ها تلقی کردند و برخی از طرح‌ها با هدف استفاده اختصاصی شاه بود مثل جاده مخصوص که ساخته شد تا رضاشاه بتواند به چالوس و مازندران سفر کند.**

مثلا در بخشـــی از مستند با نشان دادن کاباره‌ها این طور به مخاطب تلقین می‌کند که مردم شادند و مشغول زندگی عادی خود هستند. در نهایت می‌خواهد بگوید که ایرانی‌ها باید برگردند به همان مسیر غربی شدن، حالا هر کی می‌خواهـــد این کار را انجام دهد. رهبر معظم انقلاب اشاره کردند و فرمودند که اصل انقلاب و نابودی آن برای دشمن مطرح اســـت. اگر نتوانستند با روش‌های خشن و جنـــگ و... انقلاب را از بین ببرند از طریق اســـتحاله نظام جمهوری اسلامی کار خود را دنبال می‌کنند. در این صورت به تعبیر مقام معظم رهبری احتمال دارد که یک عمامه به ســـر در راس قرار داشته باشد، اما سیاست‌های کشورهای ســـلطه‌گر غربی را پیاده کند. این‌گونه مستندها هیچ‌گاه بـــه عقب‌ماندگی آن دوران اشـــاره نمی‌کنند. آمریکایی‌ها معتقد بودند که اگر رژیم پهلوی در ایران بر سر کار بود تا سال ۱۳۷۵ بدون اینکه درگیر جنگی شود، بدون شورش تجزیه‌طلب‌ها و گروهک‌ها و بدون تحریم‌های خردکننده، بدهکارترین کشـــور جهان می‌بود. این آماری اســـت که خودشان دادند.

ما انقلاب کردیم، هشـــت سال دفاع مقدس را از سر گذراندیم، شورش گروهک‌ها و تجزیه‌طلب‌ها را گذراندیم، تحریم‌های گسترده را هم گذراندیم و در حال حاضر کشور به آن معنا بدهکاری خارجی ندارد. اگر بتوانیم منویات مقام معظم رهبری را درخصوص اجرای اقتصاد مقاومتی انجام بدهیم می‌توانیم به سمت مقاوم‌سازی بنیان‌های اقتصادی خودمان حرکت کنیم و توطئه‌های دشمنان را با شکست مواجه کنیم.

*** از وقتی که در اختیار ما قرار دادید متشکریم.**

ادامه جنگ اقتصادی آمریکا در دوره پسا برجام

فراتر از یک وقاحت

■ حسین یاری

اصل و مصدر حادثه، سیر قانونی صدور حکم و ســـیر حقوقی تایید حکم اولیه توســـط دیوان عالی آمریکا، هر ســـه مخدوش اســـت. از این‌رو واکنش جمهوری اسلامی ایران نسبت به اقدام اخیر آمریکا باید در هر دو بعد سیاسی و حقوقی و با قاطعیت دنبال شود، چرا که هر گونه انفعال وزارت خارجه کشور در این‌باره سبب می‌شود تا اقدامات زنجیره اقدامات آمریکا طولانی‌تر شود.

اقـــدام اخیر دیوان عالی آمریکا در خصوص تاییـــد پرداخت حدود ۲ میلیارد دلار غرامت به خانواده قربانیان بمب‌گذاری سال ۱۹۸۳ از محل دارایی‌های مصادره شده ایران، بار دیگر پرده از چهـــره ایالات متحده به عنوان شـــیطان بزرگ برداشته است.

این اقدامِ کاملا سیاســـی و غیرحقوقی در حالی صورت می‌گیرد که اخیرا جان کری، وزیر امور خارجه دولت اوباما، در ســـخنرانی خود در جمع اعضای لابی صهیونیســـتی جی استریت تاکید کرد که ایران پس از برجام توانسته است تنها به ۳ میلیارد دلار از دارایی‌های خود دست پیدا کند.

صورت مســـئله این است که دادگاه فدرال آمریکا در ســـال ۲۰۰۷ در حکمی بر اساس یک اتهام واهی، خواستار پرداخت مبلغ ۲/۶۵ میلیارد دلار به خانواده‌های قربانیان انفجار سال ۱۹۸۳ بیروت و چند انفجار دیگر شـــده بود! این حکم در سال ۲۰۱۴ تایید و قرار شد به بهانه پرداخت غرامت، نزدیک به ۲ میلیارد دلار از محل مبالغ بلوکه‌شده بانک مرکزی ایران برداشت شود. این مبلغ در حال حاضر در حســـابی در سیتی بانک نیویورک نگهداری می‌شود. این در حالی بود که جمهوری اسلامی ایران هر گونه دخالت در انفجار ســـال ۱۹۸۳ در پایگاه نیروی دریایی آمریکا در بیروت که به مرگ ۲۴۱ سرباز آمریکایی منجر شد را رد کرده است و وزیر خارجه کشور، محمدجواد ظریف، نیز در واکنش به اقدام اخیر دیوان عالی آمریکا، روز پنج‌شـــنبه (۲ اردیبهشت) در پایان نشست ویژه مجمع عمومی سازمان ملل در رابطه بـــا تغییرات اقلیمی اعلام کرد تهران حکم اخیر دیوان عالـــی آمریکا را در مورد پرداخت غرامت ایران به دلیل آنچه اقدامات تروریســـتی خوانده شده، به رسمیت نمی‌شناسد.

ظریف گفت: دولت آمریکا به خوبی می‌داند کـــه هر گونه اقدامی در رابطه با اموال ایران این کشور را در مقام پاسخگویی و بازگردان این اموال به مردم ایران قرار خواهد داد.

اقـــدام اخیر دیـــوان عالی آمریـــکا که در هماهنگـــی کامل با جمهوریخواهـــان و برخی دموکرات‌های کنگره صورت گرفته است، قصد دارد پیام روشنی را به نهادهای رسمی و تجاری کشـــورهایی که قصد همکاری با ایران در دوران پسابرجام را دارند مخابره نماید و در روابط تجاری آنان با ایران اخلال ایجاد کند، این در حالی است که اقدام دیوان عالی آمریکا، نقض غیر مستقیم ماده ۲۹ برجام محسوب می‌شود، زیرا مطابق ماده ۲۹ برجام، هر گونه اقدامی در مسیر عادی‌سازی رفع تحریم‌ها علیه ایران غیر قانونی می‌باشد. در واقع چنیـــن اقدامی به مثابه جنگی روانی علیه رفع تحریم‌های ایران تلقی می‌گردد. هر چند این اقدام نقض مستقیم برجام محسوب نمی‌شود، اما حدود و ثغور آن به گونه‌ای است که عملا ناقض ماده ۲۹ برجام است. از این‌رو دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان بایستی در اِزای این اقدام واکنشی مناسب از خود نشان دهد.

نکته مهـــم دیگر این که مطابق رای دیوان عالی آمریکا، از اکنون برداشت از دارایی‌های ایران از ســـیتی بانک نیویورک (محل نگهداری اموال بلوکه شـــده ایران) بلامانع است. مطابق برخی اخبار، قرار اســـت این دارایی‌ها در فاصله حدود ۹ ماه بعد به خانواده قربانیان انفجار سال ۱۹۸۳ در بیروت پرداخت شـــود؛ حادثه‌ای که اساســـا دست داشتن ایران در آن اتهامی واهی محسوب می‌شود و حتی دو تن از قضات دیوان عالی آمریکا نیز نسبت به تایید حکم صادره معترض بوده و آن را به لحاظ ماهوی، حکمی سیاسی می‌دانند.

جان رابرتـــز، قاضی دیـــوان عالی آمریکا ضمن انتقاد از حکم صادر شـــده، تاکید کرد که کنگره آمریکا دارد به دادگاه‌ها دســـتورمی دهد که تصمیماتی سیاسی بگیرند، به‌طوری که این تصمیمات همانند یک حکم قضایی به نظر آید. بنابراین اصل و مصدر حادثه، سیر قانونی صدور حکم و ســـیر حقوقی تایید حکم اولیه توســـط دیوان عالی آمریکا، هر سه مخدوش است. از این رو واکنش جمهوری اسلامی ایران نسبت به اقدام اخیر آمریکا باید در هر دو بعد سیاسی و حقوقی و با قاطعیت دنبال شود، چرا که هر گونه انفعال وزارت خارجه کشور در این باره سبب می‌شود تا اقدامات زنجیره اقدامات آمریکا طولانی‌تر شود.

در نهایـــت این که اقـــدام اخیر دیوان عالی آمریکا، فراتر از یک وقاحت محســـوب می‌شود؛ وقاحتی که نخستین و آخرین وقاحت واشنگتن در مســـیر تقابل با نظام جمهوری اسلامی ایران نبـــوده و نخواهد بود و اقتضـــای مواجهه با این وقاحـــت، اتخاذ رویکـــردی انقلابـــی در مقابل کارشکنی‌ها و اقدامات ضد ایرانی متعدد دولت و کنگره و نهادهای حقوقی و اقتصادی آمریکاست.

با قبولی در پزشکی روزانه سراسری، روح مادربزرگم را شاد کردم

استاد حسین احمدی

اولین و تنها مشـــاور و برنامه‌ریز کنکور از ایران / دارای مقـــالات برگزیـــده در کنفرانس‌های بین‌المللی آموزشی جهان: والنسیای اســـپانیا inted2009/ رم ایتالیا، بانکوک تایلند و... / رتبه برتر مهندسی از دانشـــگاه تهران / تقدیر شده در بیش از ۲۰ منطقه آموزش پرورش سراسر کشور و دانشگاه / رتبه ۱ کارشناسی ارشد مترجمی عربی دانشگاه سراسری تهران / مؤلف جزوات، کتابها و لوح‌های فشرده آموزشی و برنامه ریز رتبه‌های برتر کنکور از ســـال ۱۳۷۳ تا به امروز / بنیانگذار برنامه های رادیو تلویزیونی «**کنکور آســـان است**» و «**درس خواندن آسان است**»، «**طعم مطالعه**»، **مدیر مسئول گیلنا و رمز زندگی**

من حجت‌اله علایی هستم از شهرستان خوانسار

قبل از هر چیز می‌خوام بگم: خدا جون شکرت می‌خوام داستان کنکورمو براتون بگم. شاید بشه گفت اون اتفاق مهمه‌ی زندگی کنکوری من سوم دبیرستان افتاد ولی می‌خوام از اول شروع کنم از اول ابتدایی که به مدرسه رفتم همیشه شاگرد اول بودم و هر سال رو با معدل ۲۰ سپری می‌کردم و یه حس غرور خاصی هم همیشه داشتم تا اینکه سوم دبیرستان اولین آزمون پیشرفت تحصیلی مدرسه برگزار شد، سر جلسه‌ی آزمون نمی‌تونستم بعضی سؤال‌ها را حل کنم، از بس به خودم اعتماد داشتم اول فکر می‌کردم سؤالا غلطه، یکم که پیش رفتم آروم آروم به خودم شک کردم، گفتم مگه میشه این همه سؤال غلط؟ نکنه مشکل از منه؟ تو درس فیزیک حتی نتونستم یک مسأله هم حل کنم! وقتی کارنامه اومد تو شهرستان اول شده بودم ولی رتبه کل‌ام حدود ۷۰۰۰ بود، این رتبه مثل یک پتک، شخصیتی رو که تو ذهنم از خودم ساخته بودم خراب کرد. یه حس خیلی بدی پیدا کرده بودم، حالم خراب بود نفهمیدم اون روز چطور گذشت. شب قبل از خواب رادیوی موبایلمو روشن کردم و الکی بین شبکه‌ها می‌چرخیدم. شنیدم یکی گفت: کنکور آسان است یه لبخند از روی تمسخر زدم و کانال رو عوض کردم بعد از اون جمله بازم بین شبکه‌ها می‌چرخیدم ولی هیچ چیز نمی‌شنیدم چون داشتم به آزمون اون روزم فکر می‌کردم، بعد از چند دقیقه به خودم اومدم و کانال‌ها را تند تند عوض کردم تا صدای اون آقایی که این جمله رو گفته بود پیدا کنم ببینم چی میگه!!! اون شب یک اتفاق مهم برای من بود. با استاد احمدی آشنا شدم و با ایشان تماس گرفتم و کتابها و DVDها را سفارش دادم و طی چند روز DVDها به دست من رسید. طی چند ماه خیلی پیشرفت کردم و همان سال در آزمون بعدی پیشرفت تحصیلی رتبه‌ام ۱۱۰ شد و مهمتر از اون درس فیزیک رو که خودتون از وضع و حالش خبر دارید ۱۰۰ درصد زدم. اون سال با معدل کتبی ۲۰ دیپلم ریاضی گرفتم.

ماراتن کنکور

اول تیر دقیقاً وقتی که ماراتن کنکور داشت شروع می‌شد، دودلی عجیبی به من دست داده بود. یه حسی بهم می‌گفت آینده‌ی من تو رشته‌ی پزشکی است. یکی دو ماه از تابستان گذشت و هنوز نتوانسته بودم بین رشته‌ی ریاضی و تغییر رشته به تجربی تصمیم بگیرم. یکم زیست می‌خوندم... یکم دیفرانسیل... یک روز پیش این مشاور بودم... یکم پیش اون مشاور... یکم تو این سایت تحقیق می‌کردم... یکه تو اون سایت... واقعاً پریشون و سردرگم بودم تا اینکه یه شب به استاد احمدی زنگ زدم یه عالمه با هم حرف زدیم و نتیجه این که مثل قبل آرامشمو بدست آوردم چون با اطمینان راه آینده‌ی خودم یعنی رشته تجربی را پیدا کرده بودم.

از فردای اون روز با نشاط رفتم سراغ درسم ولی حیف که دیگه چیز زیادی از تابستون نمونده بود. اون یک ماهی هم که بود صرف پاس کردن امتحان‌های تغییر رشته شد. اول مهر شد در حالی که نه از تابستون استفاده‌ی درستی کرده بودم و نه روی زیست زیاد مسلط بودم، در همین حین مادربزرگم هم مریض شده بود و نگرانش بودم (آخه پدر و مادرم کارمندند و از بچگی پیش او بزرگ شدم)

خلاصه بگم عزمم رو جزم کردم، DVDهای سال چهارم VVip استاد احمدی رو هم گرفتم و حسابی تو این مدت زمانی که وقت داشتم روشون وقت گذاشتم و کار کردم. نهایتاً تا حدود بهمن و اسفند تراز آزمون‌هایم خیلی بالا رفت، تو کل این مدت ماربزرگم تو بیمارستان بود و قبل عید بود که دکترها فهمیدند سرطان مغز استخوان داره. این اتفاق خیلی ذهنمو مشغول کرده بود و اصلاً نمی‌تونستم خوب درس بخوانم، ترازم هم حسابی افت کرد. هر دفعه می‌رفتم بیمارستان می‌دیدم ضعیف‌تر و نحیف‌تر از قبل شده.

آرزوی مادربزرگ

عید به بعد یه انگیزه بزرگ داشتم و اون جمله‌ای بود که مادربزرگم وقتی عید رفتم دیدنش بهم گفت. گفت «خوب درس بخون دکتر بشی برایم نسخه بنویسی، درمونم کنی» فروردین رو خوب درس خواندم و تا حدودی توانستم عقب‌موندگی‌هایم رو جبران کنم. اوایل اردیبهشت حال مادربزرگم روز به روز بدتر می‌شد ولی من با اینکه اصلاً نمی‌تونستم از فکرش بیرون بیام سعی می‌کردم خوب درس بخونم. مادربزرگم ۱۷ اردی‌بهشت فوت شد...

تا چند روزی تو خودم بودم و اصلاً نتونستم برم سر درس، کنکور داشت نزدیک می‌شد و تنها یک ماه تا ۲۴ خرداد مانده بود. تو این مدت سعی کردم خودم رو پیدا کنم، درس بخوانم و مادربزرگم رو تو اون دنیا خوشحال کنم. توانستم مدت باقیمانده رو برای یک جمع‌بندی خوب استفاده کنم.

دو روز مونده بود به کنکور که دایی اسماعیل‌ام فوت کرد و...

دیگه نمی‌خوام چیزی بگم فقط: روزی که نتیجه‌ها اومد خیلی دوست داشتم شیرینی بگیرم و اول برم خونه مادربزرگم و بهش بگم پزشکی اصفهان قبول شدم ولی رفتم سر خاکش، کارناممو گذاشتم روی قبر و جعبه‌ی شیرینی رو که آورده بودم خیرات کردم. آری من پزشکی سراسری اصفهان قبول شدم.

تماس تلفنی با استاد ۰۹۱۲ ۱۹۶ ۵۷ ۰۲

ارتباط پیامکی با استاد ۰۹۱۲ ۱۰۰ ۹۶ ۵۶

ارتباط مستقیم با استاد حسین احمدی
۰۲۱-۶۶۴۰۹۰۰۷ پیـــامک ۰۹۱۲ ۱۹۶ ۵۷ ۰۲
۰۹۱۲ ۱۰۰ ۹۶ ۵۶

استاد حسین احمدی

اولین و تنها مشاور و برنامه ریز کنکور از ایران / دارای مقالات برگزیده در کنفرانس‌های بین‌المللی آموزشی جهان: والنسیای اسپانیا inted۲۰۰۹ / رم ایتالیا، بانکوک تایلند و... / رتبه برتر مهندسی از دانشگاه تهران / تقدیر شده در بیش از ۲۰ منطقه آموزش پرورش سراسر کشور / دانشگاه / رتبه ۱ کارشناسی ارشد مترجمی عربی دانشگاه سراسری تهران / مؤلف جزوات، کتابها و لوح‌های فشرده آموزشی و برنامه ریز رتبه‌های برتر کنکور از سال ۱۳۷۳ تا به امروز / بنیانگذار برنامه‌های رادیو تلویزیونی «**کنکور آسان است**» و «**درس خواندن آسان است**»، «**طعم مطالعه**»، **مدیر مسئول گیلنا و رمز زندگی**

همیشه مجبور بودم همراه با تحصیل کار کنم، چون به کار کردن و کسب درآمد خیلی احتیاج داشتم و همیشه بیشتر از تحصیل مجبور بودم به کار اهمیت بدهم به همین دلیل در دوران دبیرستان نمرات خوبی کسب نمی‌کردم. نمره شیمی من ۱۳، فیزیک ۱۴ و زیست ۱۳ بود و به طور کل دانش‌آموز خوبی محسوب نمی‌شدم مادرم همیشه از این موضوع نگران و ناراحت بود و همیشه دوست داشت من در مدرسه شاگرد اول باشم آن روزها هر وقت با مادرم به میدان انقلاب می‌رفتیم، از جلوی دانشگاه تهران رد می‌شدیم و مادرم به من می‌گفت همیشه آرزو دارم تو را در مقام یک دانشجوی دانشگاه تهران ببینم. خیلی دوست داشتم به آرزوی مادرم جامه‌ی عمل بپوشانم، مادری که در طی این سال‌ها تلاشش را کرده بود تا هرگز جای خالی پدرم را احساس نکنم و اکنون نوبت من بود که او را خوشحال کنم اما با نمرات و وضعیت تحصیلی که داشتم انگار رسیدن به دانشگاه تهران برای من یک رویای دست نیافتنی بود.

۲. از سال کنکورتان برای‌مان بگویید؟

خب، سال کنکور با تمام قوا درس خواندن را آغاز کردم. با خودم عهد بسته بودم با رسیدن به دانشگاه تهران قلب مادرم و روح پدرم را شاد کنم. هر روز صبح با عشق دانشگاه تهران از خواب بیدار می‌شدم و هر شب با فکر رسیدن به آن به خواب می‌رفتم خیلی درس می‌خواندم اما انگار هر چه بیشتر تلاش می‌کردم، کمتر نتیجه می‌گرفتم. زمان بی‌رحمانه می‌گذشت و هر چه بیشتر پیش می‌رفت بیشتر می‌دیدم که تا دانشگاه تهران خیلی فاصله دارم. دیگر خسته شده بودم مگر چند بار می‌شد شروع کرد و شکست خورد، حال خیلی بدی داشتم، بیشتر فکر من شده بود پیدا کردن توجیهی برای نتیجه نگرفتن در کنکور، به نظرم سخت‌ترین قسمت آن روزها این بود که حاضر بودم برای رسیدن به دانشگاه تهران هر کاری بکنم اما واقعیت این بود که با رتبه‌هایی که من در آزمون‌ها کسب می‌کردم رسیدن به دانشگاه سراسری هم غیر ممکن بود.

۳. چه اتفاقی افتاد که سرانجام دانشگاه تهرانی شدید؟

یک روز تصمیم گرفتم به دانشگاه تهران بروم و از دانشجویان آن دانشگاه بپرسم که چطور به این جایگاه رسیدند به نظر من صحبت کردن با رتبه‌های برتر کنکور برای هر دانش‌آموزی ضروری است به دانشگاه تهران رفتم اما دانشجوها حاضر نبودند با من صحبت کنند البته حق داشتند به هر حال آنها به جایگاه بسیار ارزشمندی رسیده بودند و دلیلی هم نداشت برای صحبت کردن با من وقت بگذارند، به خاطر سختی آن روز الان در تیم مشاوره من شاگردانی که رتبه‌های زیر ۱۰۰ و درصدهای ۱۰۰ کسب کردند را کنار هم جمع کرده و «تیم ۱۰۰» را تشکیل دادم تا دانش‌آموزها بتوانند به راحتی با شماره ۰۹۱۲۱۹۶۵۰۷۸ با رتبه‌های برتر کنکور صحبت کنند. سرانجام یکی از دانشجوها حاضر شد با من صحبت کند. او راز موفقیت خود را داشتن یک مشاور برجسته و منابع درسی قدرتمند می‌دانست و به من گفت استاد احمدی خیلی به او کمک کرده و او این جایگاه را مدیون مشاوره و منابع درسی استاد احمدی است.

۴. پس آشنایی با استاد احمدی از اینجا شروع شد؟

بله، زمانی که با استاد صحبت کردم اولین چیزی که مرا تحت تاثیر قرار داد انرژی فوق‌العاده و تواضع مثال‌زدنی او بود، استاد با لوح‌های فشرده تصویری تدریس برجسته‌ترین اساتید کشور را به من معرفی کردند و به من گفتند دیگر بهانه‌ای نداری که بگویی امکانات من کم است با برنامه‌ریزی و منابعی که استاد در اختیارم قرار داد و یادگیری ۱۲ گام موفقیت در کنکور می‌دیدم که هر روز به لطف خدا بیشتر پیشرفت می‌کنم. بعد از مدتی دیدم که دستیابی به دانشگاه تهران خیلی هم سخت نیست، اگر سه راس مثلث موفقیت در کنکور که شامل تلاش، برنامه‌ریزی و منابع قدرتمند است در کنار هم باشند قطعا موفقیت در کنکور و امتحانات به دنبال آن خواهند آمد.

۵. بالاخره به دانشگاه تهران رسیدید؟

بله، روز اعلام نتایج بهترین روز زندگی من بود وقتی که درصدهای دروس خود را به مادرم نشان دادم احساس غرور و افتخار می‌کردم، زمانی که مادرم دید ضعیف‌ترین درس دوران کنکور خود یعنی عربی را صددرصد زده بودم باورش نمی‌شد که این همه تغییر کردم، خلاصه نتایج نهایی اعلام شد و من میلاد امین دهقان به آروزی همیشگی خود دانشگاه تهران رسیدم، به نظرم شیرین‌ترین لحظه زندگی هر فرد زمانی است که اشک شوق را در چشمان مادرش می‌بیند و من این لحظه را تجربه کردم.

۶. آموزه‌های استاد احمدی در دانشگاه هم به شما کمک کرد؟

بله، قبل از کنکور استاد به من می‌گفت تو باید در دانشگاه هم بهترین باشی و با تکنیک‌هایی که برای مطالعه کردن آموخته بودم سرانجام در کنکور ارشد هم خوش درخشیدم و به آرزوی خود MBA دانشگاه تهران، دانشگاه محبوبم رسیدم.

۷. از چه زمانی تصمیم گرفتید مشاور و برنامه‌ریز کنکور شوید؟

از سال کنکورم، نذر کردم که اگر به آرزوی خود رسیدم به داوطلبان کنکور کمک کنم تا آنها هم به رشته و دانشگاه مورد علاقه خود برسند. از همان سال اول دانشگاه کار مشاوره را آغاز کردم و به لطف خدا طی این ده سالی که در این زمینه فعالیت داشتم توانستم بسیاری از داوطلبان را به برترین دانشگاه‌های کشور برسانم.

برای ارتباط با میلاد امین دهقان و تیم ۱۰۰ تماس بگیرید

موفق باشید.

ارتباط تلفنی با اســـتاد حســـین احمدی: ۰۹۱۲ ۱۹۶ ۵۷ ۰۲ - ۶۶ ۴۰ ۹۰۰۷ (۰۲۱)
ارتباط پیامکی با اســـتاد حســـین احمدی: ۰۹۱۲ ۱۰۰ ۹۶ ۵۶